


آن گاه که شب درآید و تاریکی آن بر جهان چیره شود،
آن گاه که ستاره‌های بدرخشد و چشم‌ها از دیدنش خیره شوند
و آن گاه که
تو را می‌ستایم.



هرگاه
هرگاه به آسمان و زمین،
به صخره‌ها و کوه‌های سنگین
یا به درختان و گل‌های رنگین می‌نگرم،
تو را سپاس می‌گویم.
ای خدای مهربان من!
نسیم روح‌افزا نشانی از مهربانی‌ات
بادهای باران‌زا گواه رحمت آسمانی‌ات
صخره‌های سترگ، کوه‌های بزرگ، رودهای جاری و دریا‌های پهناور، نشان دانایی و
توانایی‌ات.

تو را سپاس می‌گویم
که عطا‌هایت از سر مهربانی و نعمت‌هایت همگانی است.
به تو ایمان دارم و از تو راه می‌جویم
تنها از تو یاری می‌طلبم
و به تو تکیه می‌کنم
تو که در دوستی، بی‌همانند
در مهربانی، بی‌مانند

۱- سترگ: بزرگ



در بخشش، یکتا
و در لطف و نوازش، بی‌همتایی.
تو که پدیدآورنده‌ی آفریدگان
و مالک زمین و آسمانی.
از هر کس به من نزدیک‌تر
و از هر دوستی با من آشناتری.
ای خدای مهربان!
بیناترین بینا، زیباترین زیبا،
داناترین دانا،
خدای یکتا
خدای یگانه و بی‌همتا.
تو را این‌گونه سپاس می‌گویم:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

بدانیم

«توحید» یکی از اصول دینی و اعتقادی ما مسلمانان است. توحید یعنی خداوند یکتاست و جز او خدایی نیست. همه‌ی مسلمانان خدای یکتا را می‌پرستند؛ از دستورهایش اطاعت می‌کنند و خواسته‌های خود را تنها به درگاه او می‌برند. آنها هر روز در اذان، اقامه و نماز به یکتایی و یگانگی پروردگار شهادت می‌دهند و او را ستایش می‌کنند. خدایی که مهربان‌ترین مهربانان، بخشنده‌ترین بخشندگان، داناترین دانایان و تواناترین قدرتمندان است؛ یکتا و یگانه‌ای که هیچ مثل و مانندی ندارد.





خدای یگانه

تو خدای بی نظیری	تو یگانه‌ای و دانا
تو چه خوب و مهربانی	تو که پاکی و توانا
تو به گوش ابر خواندی	که از آسمان ببارد
تو به آفتاب گفתי	به زمین قدم گذارد
تو به چشمه یاد دادی	ز دل زمین بجوشد
به گیاه تشنه گفתי	که از آب آن بنوشد
تو به ژاله ^۱ امر کردی	که به برگ گل نشیند
به خزان اجازه دادی	که گل از چمن بچیند
به هزار نقش زیبا	گل و سبزه را کشیدی
شب و روز و کوه و دریا	همه را تو آفریدی

ناصر علی‌اکبر سلطان با اندکی تغییر

- * در شعر به کدام صفات خداوند اشاره شده است؟
- * پیام شعر را در چند جمله برای دوستانتان بیان کنید.

این سوره را بخوانید و ترجمه‌ی آن را بنویسید.



به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان

- بگواو..... (۱)
 خداوند..... است (۲)
 فرزندی ندارد و..... (۳)
 وهمتاوهمانندی..... (۴)

نام این سوره چیست؟

.....

در این سوره به کدام صفت‌های خداوند اشاره شده است؟

.....

به نظر شما چرا این سوره به این نام معروف شده است؟

.....

کامل کنید

با کلمه‌های زیر، چند جمله در ستایش خداوند بنویسید و با او گفت‌وگو کنید.



Blank writing area with horizontal lines and decorative borders.



خدای من!

با مهربانی ات، سپیده‌ی صبح را نشان دادی
و با بزرگی ات، تاریکی شب را به روشنایی روز تبدیل ساختی
و از دل سنگ‌های سخت، آب‌های گوارا را روان کردی
و از ابرها، آبی فراوان فرو فرستادی
و خورشید و ماه را چراغ درخشان قرار دادی.
صدایم را بشنو و دعایم را اجابت فرما!
ای مهربان‌ترین مهربانان!

بهترین راهنمایان

«از مسیر اصلی می‌رویم؛ نه از بیراهه. مراقبیم در پرتگاه نیفتیم. اگر کسی از حرکت باز ماند، او را تنها نمی‌گذاریم و همه به او کمک می‌کنیم. تکروری نمی‌کنیم. همگی پشت سر راهنما حرکت می‌کنیم. به طبیعت آسیب نمی‌زنیم و از شتاب‌زدگی پرهیز می‌کنیم...».

آقای رحمتی نکات ضروری را پای کوه به گروه ما تذکر می‌دهد و حرکت را آغاز می‌کنیم. او مربی قرآن ماست. این هفته قرار است جلسه را بالای کوه نزدیک شهر تشکیل دهیم.



از دامنه‌ی کوه بالا می‌رویم.

چه هوای پاک! چه منظره‌ی باشکوه و بی‌نظیری!

سراسر دشت‌ها و دامنه‌ها در برابرمان است و تمام شهر را با یک نگاه می‌بینیم! بعد از ساعتی حرکت، کنار هم می‌نشینیم. آقای رحمتی می‌گوید:



«موضوع این جلسه‌ی ما «بهترین راهنمایان» است. خیلی‌ها ما را در زندگی راهنمایی می‌کنند و به ما کمک می‌رسانند؛ اما یادمان باشد که راهنمایان اصلی و حقیقی ما کسانی هستند که خدای مهربان آنها را انتخاب کرده است. پیامبران و امامان بهترین راهنمایان ما هستند.»

بعد از این مقدمه، بچه‌ها یکی یکی صحبت کردند:
– پیامبر کسی است که از سوی خدا انتخاب شده است. او «پیام» خدا را برای مردم می‌آورد و آنها را به پرستش خدای یگانه دعوت می‌کند.



– پیامبران از بین خود مردم انتخاب می‌شدند و زندگی آنان مثل همه‌ی مردم بود. کارهایی مانند چوپانی و کشاورزی انجام می‌دادند و برای خانواده‌شان زحمت می‌کشیدند.

– بعضی از پیامبران کتاب آسمانی داشتند؛ مثل تورات، انجیل و قرآن.

– گاهی پیامبران برای اینکه ثابت کنند پیامبر هستند، از «مُعْجِزَه» استفاده می‌کردند؛ یعنی کارهایی می‌کردند که مردم عادی نمی‌توانستند آنها را انجام دهند. این معجزات، دلایل روشنی بود که نشان می‌داد آنها از سوی خدا فرستاده شده‌اند.

– اولین پیامبر خدا، حضرت آدم (علیه‌السلام) بود و آخرین پیامبر، حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است.



آقای رحمتی که از حرف‌های بچه‌ها به وجد آمده بود، گفت: «آفرین! نکته‌های ارزشمندی را گفتید.

زندگی مثل کوه‌پیمایی است که اگر نقشه‌ی راه و راهنما نداشته باشیم، نمی‌توانیم به راحتی به قلّه برسیم. راهنمای آگاه، مسیر رسیدن به قلّه را خیلی خوب می‌داند؛ می‌داند که چه پرتگاه‌ها و چه خطرهایی در برابر ماست. پیامبران بهترین راهنمایان زندگی هستند. آنها با دلسوزی و مهربانی، مراقب همه بودند و به بهترین شیوه انسان‌ها را هدایت می‌کردند.»

بعد از صحبت‌های آقای رحمتی، قرار شد بچه‌ها از چیزهایی که درباره‌ی زندگی هر یک از پیامبران شنیده‌اند، صحبت کنند. بحث با شور و شغف خاصی در هوای دلپذیر بالای کوه ادامه پیدا کرد....

بدانیم

یکی دیگر از اصول دینی ما مسلمانان، نبوت (پیامبری) است؛ یعنی خداوند مهربان، پیامبرانی را از میان انسان‌های خوب و نیکوکار برگزید تا مردم را هدایت و راهنمایی کنند و آنان را با دستورهای الهی آشنا کنند. آنها انسان‌ها را به خوبی‌ها دعوت می‌کردند و از بدی‌ها باز می‌داشتند؛ با ظلم ظالمان و ستمگران مبارزه می‌کردند و یار مظلومان و نیکوکاران بودند.

برایم بگو

پیامبران مردم را راهنمایی می‌کردند تا....

تدبّر کنیم

این آیات و ترجمه‌ی آنها را بخوانید. هر آیه به چه مطلبی درباره‌ی پیامبران اشاره می‌کند؟

... إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ

(خداوند نعمت بزرگی به مؤمنان بخشید)؛ هنگامی که برای آنها پیامبری از میان خودشان فرستاد.

سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۶۴

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ ...
ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب آسمانی
نازل کردیم ...

سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۲۵



فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ...
ما برای هر امتی، پیامبری فرستادیم که (می‌گفت): «خدای یکتا را
بپرستید. خدایی غیر از او برای شما نیست ...».

سوره‌ی مؤمنون، آیه‌ی ۳۲



گفت‌وگو کنید



درباره‌ی هر یک از پیامبران اولوالعزم^۱ چه می‌دانید؟ در گروه‌های خود گفت‌وگو کنید و نتیجه‌ی آن را در کلاس گزارش دهید.

۱- پیامبران اولوالعزم: پنج نفرند: حضرت نوح (علیه السلام)، حضرت ابراهیم (علیه السلام)، حضرت موسی (علیه السلام)، حضرت عیسی (علیه السلام) و حضرت محمد (صلی الله علیه وآله)



برای آشنایی بیشتر با زندگی و دستورات پیامبران چه راه‌هایی را می‌شناسید؟



به جز پیامبران اولوالعزم، داستان زندگی کدام یک از پیامبران در قرآن آمده است؟ یکی را انتخاب و خلاصه‌ی آن را برای دوستانتان بیان کنید.

عصر عاشورا بود
 و سرزمین کربلا آماده‌ی ثبت حماسه‌ای دیگر! این بار نوبت که بود؟
 گام‌هایش استوار بود و قلبش بی‌قرار.
 نوجوانی چهارده ساله با چهره‌ای تماشایی که چون پاره‌ی ماه می‌درخشید.
 آیینه‌ی تمام‌نمای پدر بود. پدرش قهرمان جنگ‌های صفّین و نهروان بود و او قهرمان
 کربلا!
 کنار عمو آمد. چشم‌هایش گواهی می‌داد که حرف دلش چیست!
 امام حسین (علیه‌السلام) نگاهی سرشار از تحسین به قامت قاسم انداخت؛
 قطره‌ی اشکی بر گونه‌ی امام غلتید و بر زمین چکید.

چه لحظه‌ی جان‌سوزی! برایش سخت بود برادرزاده‌اش را که تازه به سنّ نوجوانی
 رسیده بود، به مبارزه با کسانی بفرستد که هیچ رحمی نداشتند.
 - قاسم جان! ای یادگار برادرم، به خیمه‌ها برگرد!
 اما قاسم تصمیم خود را گرفته بود؛ می‌خواست به میدان جنگ برود. دستان عمو
 را محکم در دست گرفت و غرق بوسه کرد و با چشمان خیس بر خواسته‌ی خویش
 پافشاری کرد.

پس از اصرار فراوان، امام به او اجازه داد و قاسم را به سوی میدان جنگ بدرقه کرد؛ سپس دست‌ها را برای دعا بالا برد و او را به خدا سپرد.
قاسم، شمشیر به دست و الله‌اکبرگویان بر دشمن تاخت و لرزه بر اندامشان انداخت.

یک‌نوجوان، یک قهرمان	عالم، همه حیران او
زیباتر از مهتاب بود	آن چهره‌ی تابان او
دشمن سراپا ترس شد	از قدرت ایمان او



قاسم از این سو به آن سو حمله می‌کرد و جوانمردانه می‌جنگید. رشادت او تحسین همه را برانگیخت و دشمن را بر خاک ذلت نشانده. ناگهان از همه سو بر او هجوم آوردند و سرو قامتش را بر خاک انداختند. صدای قاسم بلند شد و عمو را صدا زد. امام حسین (علیه‌السلام) شتابان خود را به بالین قاسم رساند؛ در کنارش زانو زد و پیکرش را در آغوش گرفت. بدن گلگونش بوی گل‌های بهشت می‌داد. امام با مهربانی و عطوفتی وصف‌ناپذیر نگاهش کرد و فرمود:

«به خدا قسم برای عمویت سخت است که تو او را صدا بزنی و او نتواند جواب بدهد».

قیام امام حسین (علیه‌السلام)

پس از اینکه حضرت محمّد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از سوی خداوند به پیامبری انتخاب شد، ظالمان و ستمگرانی که حاضر نبودند دستور خدا را بپذیرند، تصمیم گرفتند از هر راهی، دین اسلام را از بین ببرند؛ اما تلاش‌ها و مقاومت‌های پیامبر باعث شد این دشمنان نتوانند به خواسته‌های خود برسند. بعد از پیامبر، معاویه به جنگ با امام علی (علیه‌السلام)، که جانشین پیامبر بود، برخاست. بعد از امام علی (علیه‌السلام)، فرزندش امام حسن (علیه‌السلام) نیز با نقشه‌ی معاویه به شهادت رسید. در سال ۶۰ هجری قمری، معاویه از دنیا رفت و فرزندش یزید به حکومت رسید. یزید اهل کارهای زشت و ناپسند بود؛ به نماز چندان اهمّیت نمی‌داد و احکام دین خدا را رعایت نمی‌کرد. او آشکارا دین اسلام و حضرت محمّد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را مسخره می‌کرد. فساد او در مردم نیز اثر گذاشته بود. یزید می‌خواست دین اسلام را ریشه‌کن کند و آن را نابود سازد. وقتی به امام حسین (علیه‌السلام) خبر دادند که یزید به حکومت رسیده است، فرمود:

«وای بر اسلام که به حاکمی چون یزید گرفتار شده است».

امام حسین (علیه السلام) در برابر یزید قیام کرد و با فرزندان و خانواده‌اش از مدینه خارج شد. امام مردم را به مبارزه با یزید دعوت می‌کرد و درباره‌ی هدف خود از قیام می‌فرمود:

«همانا من برای اصلاح امت جدم قیام کرده‌ام.
من می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم.»

اما عده‌ی کمی با او همراه شدند و او را یاری کردند. سرانجام در روز دهم محرم سال ۶۱ هجری قمری، امام حسین (علیه السلام) و هفتاد و دو تن از یارانش در صحرای کربلا در مقابل لشکر یزید ایستادند و به شهادت رسیدند. پس از شهادت امام حسین (علیه السلام)، مردم از خواب غفلت بیدار شدند و با الگو گرفتن از قیام امام حسین (علیه السلام) در مقابل یزید ایستادند.

برایم بگو

چه قیام‌هایی را می‌شناسید که با الگو گرفتن از قیام امام حسین (علیه السلام)، علیه ظلم و ستم انجام شده است؟

بگرد و پیدا کن

رفتار حضرت قاسم (علیه السلام) شما را یاد چه ویژگی‌هایی می‌اندازد؟

.....

.....

.....

.....

پاسخ سؤالات زیر را به ترتیب اعداد داده شده، از راست به چپ در جدول قرار دهید؛ سپس حروف را به ترتیب کنار هم بخوانید. رمز جدول، یکی از سخنان امام حسین (علیه السلام) است.

۱- نام خواهر امام حسین (علیه السلام)؛ پیام رسان کربلا (۱۳-۱۲-۷-۴) ←

۲- جاری شدن اشک از چشم‌ها (۱-۱۷-۲-۳) ←

۳- وقتی به هم می‌رسیم، به یکدیگر می‌گوییم (۸-۱۴-۲۰-۱۶) ←

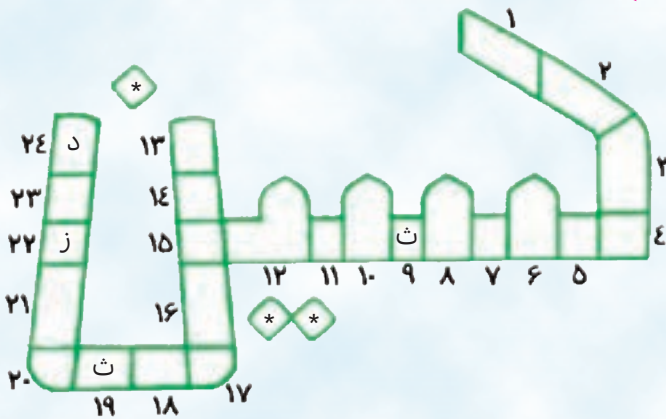
۴- تعداد جزءهای قرآن کریم (۲۱-۶) ←

۵- چه بسا با خواست خدا عده‌ای ... بر عده‌ای زیاد پیروز شوند (سوره‌ی بقره،

آیه‌ی ۲۴۹) (۱۱-۱۵) ←

۶- دعایی از امام علی (علیه السلام) که معمولاً شب‌های جمعه خوانده می‌شود

(۱۰-۲۳-۱۸-۵) ←



امام حسین (علیه السلام) می‌فرماید:

بیعت نمی‌کند.....

به نظر شما این جمله با موضوع درس چه ارتباطی دارد؟

۱- بیعت: یعنی پذیرش فرمانروایی و حکومت یک فرد

در زمان حکومت بنی امیه، اگر عاشورا و فداکاری خاندان پیامبر نبود، چه اتفاقی برای اسلام می افتاد؟

پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله):
امام حسین (علیه السلام) چراغ هدایت و کشتی نجات است.

❁ برای اینکه یک کشتی بتواند از جان انسان‌ها در دریاها طوفانی محافظت کند و آنها را به مقصد برساند، چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

.....

.....

❁ به نظر شما چرا امام حسین (علیه السلام) کشتی نجات معرّفی شده‌اند؟

.....

.....

❁ چه کسانی می‌توانند سرنشینان این کشتی باشند؟

.....

.....

گفت‌و‌گو کنید

شما به عنوان یک نوجوان مسلمان برای زنده نگهداشتن نام و قیام امام حسین (علیه السلام) چه کارهایی انجام می‌دهید؟

تحقیق کنید

درباره‌ی کودکان و نوجوانان دیگری که در حماسه‌ی کربلا حاضر بودند، تحقیق کنید و آن را برای دوستانتان در کلاس بخوانید.



تابستان آمده است ...
چند بچه بدون توجه از خانه‌ی خود دور می‌شوند و به سراغ ماجراجویی می‌روند.
آنها داخل دیواری که بین برگ‌ها پنهان شده است، یک در کوچک می‌بینند.
با تعجب به هم نگاه می‌کنند. گویی می‌خواهند پرسند این در به کجا باز می‌شود ...
و برای باز کردن در تلاش می‌کنند!
مهدی و هادی، بازی خود را قطع و آنها را تماشا می‌کنند.
بچه‌ها، زور بازویشان را به کار می‌گیرند و بالاخره در با صدای جیغ‌مانندی باز می‌شود.
هادی جلو می‌رود و به آنها می‌گوید: «بچه‌ها ورود به این باغ ممنوع است».
ولی آنها بدون توجه به حرف هادی، وارد باغ می‌شوند.
مهدی می‌گوید: «بچه‌ها شما نباید بدون اجازه‌ی صاحب باغ وارد آن بشوید».
آنها باز هم توجهی نمی‌کنند.
آنجا یک باغ کوچک است؛ با دیوارهایی نسبتاً بلند و حوضچه‌ای پر از آب در وسط آن.
هیچ‌کسی آنجا نیست.
مهدی دوباره از بیرون باغ با صدای بلند به آنها می‌گوید: «شما اجازه ندارید در آن
باغ بازی کنید ... آنجا یک مکان خصوصی است».
اما آنها به گشت‌وگذار خود در باغ ادامه می‌دهند.
مهدی و هادی با تعجب به یکدیگر نگاه می‌کنند و می‌گویند: «آنها به تذکر ما توجه
نمی‌کنند. چگونه آنها را متوجه خطایشان کنیم؟»